

لغات و اصطلاحات سریال
فرار از زندان S05 _ E04



محمد دوجی 1396/02/20

Prison Break 4

How are you feeling?

حالت چطوره؟

body is fine.

بدنم خوبه.

We're gonna need you.

بهت احتیاج خواهیم داشت.

I can rest when I'm dead.

وقتی مردم میتونم استراحت کنم.

Well, that's what I'm worried about.

خب، منم نگرانیم از همینه.

Didn't know you worried.

نمیدونستم نگرانم میشی.

About the right things.

راجب چیزای درست.

Do you mind if I borrow Linc for a second?

میشه یه لحظه لینک رو ازت قرض بگیرم؟

please get some rest.

لطفا یه کم استراحت کن.

We got to start talking about...

ما باید حرفامونو بزنینم درمورد...

what are you talking about?

راجب چی حرف میزنی؟

I spoke to my friends.

با دوستانم حرف زدم.

I'm not leaving Michael.

من مایکل رو نمیذارم و برم.

If they cut off the airport, no one is getting out.

اگه راه به سمت فرودگاه رو ببندن، دیگه هیچکس نمیتونه از اینجا بره.

As much as it kills me to say..

با اینکه گفتنش واقعا اذیتم میکنه..

you're right.

حق با تونه.

You can leave.

تو میتونی بری.

But I can't.

ولی من نمیتونم.

Get that family to the airport as fast as you can.

اون خانواده رو با تمام سرعتی که میتونی برسون به فرودگاه.

I wanted to thank you for saving my daughter.

میخواستم برای نجات دادن دخترم ازتون تشکر کنم.

And offer you something in appreciation.

و برای قدردانی چیزی بهتون پیشنهاد بدم.

I might have a solution for how to...

من ممکنه یه راه حلی داشته باشم واسه اینکه چجوری...

before the city goes to hell.

اونم قبل از اینکه این شهر با جهنم یکی بشه.

You hear that?

شنیدی؟

just when you think it couldn't get worse.

فقط موقعی که با خودت میگی دیگه از این بدتر نمیشه.

Porta Potti

توالت سیار

the escape artist is nervous.

هنرمند فرارمون نگرانیه.

You should be, too.

تو هم بهتره همینطور باشی.

Discriminate

تبعیض قائل شدن - فرق گذاشتن

they don't discriminate.

اونا فرق نمیدارن.

The difference is I have faith.

فرقش اینجاست که من ایمان دارم.

What do you have?

تو چی داری؟

are you there?

اونجایی؟

I pity you.

برات افسوس میخورم.

Triumph

پیروزی - فتح - پیروز شدن

I triumph either way.

متکه در هر صورت پیروز میشم.

Either I will be in paradise or Allah will save me.

یا میرم بهشت، یا که الله نجاتم میده.

You're just going to die.

تو هم فقط قراره بمیری.

Checkpoint

محل بازرسی

ISIL has broken through the checkpoints.

داعش از محل های بازرسی رد شده.

ISIL isn't here yet.

داعش که هنوز اینجا نیست.

The government says it will push them back.

دولت میگه که ، برشون برمیگردونه عقب.

You out of your head?

مگه عقلتو از دست دادی؟ دیوونه شدی؟

this is happening.

این اتفاق داره میفته.

Sana'a is falling.
صنع اداره سقوط ميکنه.

Retreat
عقب نشيني – عقب نشيني کردن

they're going to retreat.
اونا حتما عقب نشيني ميکنن.

I've seen that look before in the army.
همچين قيافه اي قبلا هم توي ارتش ديدم.

Men who will do anything to save themselves.
مردايي که هرکاري ميکنن تا جونشون رو نجات بدن.

And how do we save ourselves?
و ما چطوري خودمون رو نجات بديم؟

ISIL takes this prison, we'll be the first they slaughter.
اگه داعش اين زندان رو تصاحب کنه، اولين نفرائي که دخلشون رو ميآرن مايميم.

I left something the last time I was in here.
دفعه ي قبلي که اينجا بودم يه چيزي رو جا گذاشتم.

Let me guess.
بذار حدس بزنم.

They lock me away in a box for four years.
اونا منو براي ۴ سال اينجا حبس کردن.

The infidel still tries to escape.
اين کافر دوباره ميخواهد فرار کنه.

That's because I have it in my cell.
بخاطر اينه که اينجا توي سلول منه.

The moment they reach this place.
لحظه اي که برسند اينجا.

Another ISIL attack.
يه حمله ي ديگه از طرف داعش.

They're ripping the city apart.
دارن اين شهر رو با خاک يکسان ميکنن.

Bureaucrat

مامور دولتی - مامور اداری

I've been a bureaucrat my whole life.

من کل زندگیم رو به مامور دولتی بودم.

Corruption

فساد

backslapping

پاچه خواری - چاخان - تظاهر به صمیمیت

I called him a few hours ago and told him.

یه چند ساعت پیش بهش زنگ زدم و بهش گفتم.

Redecorating, I see.

میبینم که داری تغییر دکوراسیون میدی.

Just readying for the coming change of seasons.

فقط دارم واسه تغییرات فصلایی که دارن میان آماده میشم.

Luxury

وسایل لوکس - خوش گذرانی - عیش

flee

گریختن - فرار کردن - به سرعت رفتن

you should flee the country.

تو باید از کشور فرار کنی.

Pardon

عفو - پوزش - بخشش - گذشت - مغفرت - معذرت خواستن

supreme

عالی - بزرگترین

judicial

قضایی - شرعی

council

انجمن - مجلس - شورا

a full pardon from the Supreme Judicial Council.

یه عفو کامل از دادگاه قضایی عالی

best of luck to both of you.
برای هر دو تون آرزوی موفقیت دارم.

I really appreciate.
واقعا ازت ممنونم.

It's already done.
دیگه از قبل انجام شده.

We can't just sit here and die.
نمیتونیم که همینجوری بشینیم اینجا و بمیریم.

Infrastructure
زیرسازی - زیربنا

you got people on the outside, right?
تو آدمایی اون بیرون داری، نه؟

and they're gonna try and get us out.
اونام قراره تلاششون رو بکنن و ما رو فراری بدن نه؟

we can't just quit.
نمیتونیم که همینطوری تسلیم بشیم.

There's a way out if we work together.
یه راهی هست، اگه با هم همکاری کنیم.

I'm no longer interested.
من دیگه علاقه ای ندارم.

The only thing left for you to do is to beg.
تنها کاری که الان میتونی انجام بدی، التماس کردنه.

I've been a slave for the last seven years.
من برای ۷ سال گذشته یه برده بودم.

I won't do it anymore.
دیگه همچین کاری نمیکنم.

I will miss you when you're dead.
وقتی بمیری دلم برات تنگ میشه.

But only for a minute.
ولی فقط برای یه دقیقه.

Then you will be forgotten.

بعدهش دیگه فراموش میشی.

By both time and the world.

اونم توسط هر دوی زمان و مردم دنیا.

What other days do you want?

چه روزای دیگه ای میخوایی؟

actually, you know what?

راستش ، میدونی چیه؟

I don't want to discuss this now.

نمیخوام الان راجبش بحث کنم.

No, we'll talk about it later.

نه، بعدا راجبش صحبت میکنیم.

Exonerate

تبرئه کردن – رو سفید کردن

I'm a man moving toward the light now.

الان دیگه مردیم که داره سمت نور حرکت میکنه.

Backon

اشاره کردن – با اشاره صدا زدن

the light's beckoning me.

نور داره به من اشاره میکنه.

I was helping her.

من داشتم بهش کمک میکردم.

You were hacking her phone.

تو داشتی تلفنش رو هک میکردی.

Pour

ریختن

once and for all.

یه بار و برای همیشه.

Tell them I'll be right down.

بهشون بگو الان میام.

What are you doing?

داری چیکار میکنی؟

what do you think I'm doing?

فک میکنی دارم چیکار میکنم؟

don't run.

فرار نکن.

Warden

سرپرست – بازرس – رئیس

we have to get to the warden.

باید زودتر بریم پیش رئیس زندان.

They're abandoning the prison.

اونا دارن از زندان میرن.

Back up.

برید عقب.

Anyone comes at me, dies.

هرکی بیاد سمت من میمیره.

You think you can shoot all of us?

فکر کردی میتونی به همه ما شلیک کنی؟

I need to get in.

من باید برم تو.

I don't have the key.

کلید پیش من نیست.

Stay back.

عقب وایسید.

I don't want to shoot you.

نمیخوام بهتون شلیک کنم.

The guards are gone.

نگهبانان رفتن.

They are abandoning their posts.

اونا دارن پستاشون رو رها میکنن.

We're gonna be free.

ما قراره آزاد بشیم.

Push the gate open.

دروازه رو هل بدین باز بشه.

We have to get through the gate.

ما باید از در رد بشیم.

Persecute

آزار کردن – اذیت کردن – محاکمه کردن.

We will be persecuted.

همه مون محاکمه میشیم.

At least there's a chance.

حداقل یه شانسی وجود داره.

No, it's madness.

نه، این دیوانگیه.

As far as I'm concerned, right?

تا جایی که خبر دارم، درست میگم؟

I am personally going to slice Kaniel Outis' throat.

شخصاً گلوی کانیل اوتیس رو میبرم.

And you are going to be the one who's going to help me do it.

و تو کسی هستی که توی این کار کمک میکنه.

Will you stay here?

میخواید اینجا بمونید؟

and let ISIL slaughter you?

و اجازه میدین داعش سلاخیتون کنه؟

or will you stand with me?

یا همراه من می ایستید؟

you want to rethink helping us?

میخوای نظرت رو برای کمک کردن بهمون تغییر بدی؟

all you infidels can go to Hell.

شما کافر ها میتونید برید به جهنم.

Question is do you want out?
سوال اینجاست که میخوایی بری بیرون؟

tell me what to do.
بهم بگو چیکار کنم.

I'm not a police officer.
من افسر پلیس نیستم.

Then what are the stripes on your pants?
پس درجه های روی شلوارت برای چیه؟

you're so off base on this.
در این کاملا در اشتباهی.

I don't have any sins anymore.
من دیگه گناهی روی دوشم نیست.

We got to go old school with this?
باید این کار رو به روش قدیمی انجام بدیم؟

is that what you want?
همین رو میخوایی؟

you got to remove it.
باید درش بیاری.

There's a water pipe above you.
بالای سرت یه لوله ی آب هست.

Hook it. Pull it down.
بگیرش، بیارش پایین.

The guy in this cell wouldn't cooperate.
آدمی که توی این سلول بود، باهام همکاری نمیکرد.

We have to work together.
باید با همدیگه کار کنیم.

I'm not working with you.
من با تو کار نمیکنم.

There will not be any killing in this prison.
خبری از کشتن نیست توی این زندان.

No on my watch.

نه تا وقتی من باشم.

Insane

دیوانه – احمقانه – بی عقل

this is completely insane.

این کاملاً دیوانگیه.

Don't pin your hopes on one guard.

امیدهاات رو روی یه نگهبان نذار.

For the love of God.

محض رضای خدا

a man seeks justice.

یه مرد دنبال عدالته.

You will be the only guard that they catch.

تنها نگهبانی که گیر می اندازن تو خواهی بود.

Just give me the keys to solitary.

فقط کلید های انفرادی رو بهم بده.

But you have something much better.

ولی یه چیز خیلی بهتر داری.

Why would I trust you more than the madman out there?

چرا باید بیشتر از اون مرد دیوونه ی بیرون به تو اعتماد کنم؟

got to hurry up.

باید عجله کنی.

We got to go now.

باید همین الان بریم.

You gonna fight ISIL men?

میخوایی با مردهای داعشی بجنگی؟

we will check this block.

ما این بلوک رو بررسی میکنیم.

Get somewhere safe.

برو یه جای امن.

"I don't mind dying"

مردن برام فرقی نداره.

"I just don't want to be around when it happens."

فقط نمیخوام وقتی مردم اونجا باشم.

What's the holdup?

واسه چی معطل میکنی؟

check there.

اونجا رو بررسی کنید.

Scofield's a dead man.

اسکافیلد یه مرده است.

tangle

گرفتار کردن - در هم پیچیدن - گیر افتادن

he's tangling with Poseidon.

داره با پوسایدون در می افته.

Decided to take matters into his own hands.

تصمیم گرفته اوضاع رو به دست خودش بگیره.

You want mu guess?

میخوای نظر من رو بدونی؟

I thought the CIA was supposed to kill terrorists.

فکر میکردم سی آی ای باید تروریست ها رو بکشه.

He doesn't report to anybody.

اون به هیچکس گزارش نمیده.

Pursue

تعقیب کردن - پیگیری کردن

ideology

طرز فکر - ایدئولوژی

he just pursues his own ideology.

اون فقط طرز فکر خودش رو دنبال میکنه.

The enemy of my enemy is my friend.

دشمن دشمن من دوستمه.

Shrewd

ناقلا - زیرک - باهوش - حيله گر

maybe your fate is to be a patriot.

شاید سرنوشتت این باشه که میهن پرست باشی.

There's a time for everything.

هر چیزی یه زمانی داره.

This way.

از اینطرف

it's a dead end.

بن بسته.

Let's hand the son of a bitch over.

بیا اون حرومزاده رو بهشون بدیم.

Won't work.

جواب نمیده.

He's long gone.

خیلی وقته رفته.

I was you once, killing for a lie.

یه زمانی من جای تو بودم، واسه یه دروغ آدم میکشتم.

Now you're what?

حالا چی هستی؟

dying for the truth?

واسه واقعیت میمیری؟

what did he say to you?

چی بهت گفت؟

Auto shop's a few blocks up.

تعمیرگاه چند بلوک بالاتره.

And your men better be coming.

بهتره افرادت بیان.

You're stopping to eat?

وایسادی تا غذا بخوری؟

are you high?

نئشه ای؟

where would you go, Michael?

کجا رفتی ، مایکل؟

you thought you tricked me?

فکر کردی گولم زدی؟

drop your weapons.

سلاح هاتون رو بندازید.

Step away from my brother.

از برادرم دور شو.

How much do you love this brother of yours?

چقدر این داداشت رو دوست داری؟

why don't you step down from that truck?

برای چی از اون کامیون نمیایی پایین؟

I went to prison for killing.

من برای آدم کشی رفتم زندان.

I didn't even want.

حتی خودمم نمیخواستم.

We got more coming.

افراد بیشتری دارن میان.

Let's get the hell out of here.

بیاین از اینجا بزیم به چاک.

You wanted to see us?

میخواستی ما رو ببینی؟

behold

مشاهده کردن – نظاره کردن

villain

شرور – پست – بدذات – ناکس

who the hell is this guy?

این یارو دیگه کیه؟

I can't believe this.

نمیتونم باور کنم.

Why did you say?

برای چی گفتی؟

I had to deny you.

مجبور بودم انکار کنم.

You were filming me.

داشتی ازم فیلم میگرفتی.

I'll explain everything later.

من همه چیز رو بعدا توضیح میدم.

The entire army of ISIL just declared war on us.

کل ارتش داعش همین الان باهامون اعلام جنگ کردن.